
شناسایی عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران با استفاده از AHP

فرخ کیا^۱، مهوش نوربخش^{۲*}، ابوالفضل فراهانی^۳، حمید قاسمی^۴، رضا شجیع^۵

ص.ص: ۲۰۳-۱۸۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۷

تاریخ تصویب: ۹۹/۱۰/۰۳

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر شناسایی عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران با استفاده از AHP بود. پژوهش حاضر به روش تحقیق توصیفی و از لحاظ هدف کاربردی بود. جامعه آماری متشکل از مدیران سطح ستادی وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون ورزش‌های همگانی و اعضا هیات علمی آشنا به ادبیات تحقیق بود. در پژوهش حاضر نظرات ۱۵ نفر از افراد خبره در طی مصاحبه نیمه ساختار یافته به روش هدفمند تا رسیدن به حد اشباع نظری جمع آوری گردید. از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی به منظور شناسایی مؤلفه‌ها استفاده شد. ابزار جمع آوری داده‌ها مصاحبه و پرسشنامه بود. عوامل شبکه سازی، فناوری و رسانه‌های اجتماعی، همکاری بین بخشی، قانونگذاری و سیاستگذاری، مشارکت همگانی، اقتصاد رفتاری، توانمندسازی و اصلاح ساختار ورزش همگانی به عنوان عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران شناسایی شد. نتایج فرایند تحلیل سلسله مراتبی نشان داد که به ترتیب عوامل شبکه سازی (۰/۳۱۲)، همکاری بین بخشی (۰/۲۹۲)، مشارکت همگانی (۰/۲۵۶)، قانونگذاری و سیاستگذاری (۰/۲۱۲)، اصلاح ساختار ورزش همگانی (۰/۱۸۲)، فناوری و رسانه‌های اجتماعی (۰/۱۷۹)، توانمندسازی (۰/۱۵۳) و اقتصاد رفتاری (۰/۱۱۳) اولویت بندی شده‌اند. نتایج نشان داد که هشت عامل شبکه سازی، فناوری و رسانه‌های اجتماعی، همکاری بین بخشی، قانونگذاری و سیاستگذاری، مشارکت همگانی، اقتصاد رفتاری، توانمندسازی و اصلاح ساختار بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران تاثیر دارد.

واژه‌های کلیدی: سیاست گذاری باز، قانونگذاری و سیاستگذاری، مشارکت همگانی، اقتصاد رفتاری

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استاد گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. استاد گروه مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴،۵. دانشیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mahvashnoorbakhsh@yahoo.co

Identifying the Factors Affecting the Open Policy of Iranian Public Sports Using AHP

Kia, F. (MA), Noorbakhsh*, M. (PhD), Farahani, A. (PhD), Ghasemi, H. (PhD), Shagie, R. (PhD)

Abstract

The purpose of this study was to identify the factors affecting the open policy of public sports in Iran using AHP. The present study was a descriptive research in terms of applied purpose. The statistical population consisted of staff managers of the Ministry of Sports and Youth, the Federation of Public Sports and faculty members familiar with the research literature. In the present study, the opinions of 15 experts were collected during a semi-structured interview in a purposeful manner until the theoretical saturation was reached. The method of hierarchical analysis was used to identify the components. Data collection tools were interviews and questionnaires. Factors of networking, technology and social media, cross-sectoral cooperation, legislation and policymaking, public participation, behavioral economics, empowerment and reform of the structure of public sports were identified as effective factors on open public sports policy in Iran. The results of the hierarchical analysis process showed that the factors of networking order (0.312), cross-sectoral cooperation (0.292), public participation (0.256), legislation and policymaking (0.212), reforming the structure of public sports, respectively. (0.182), technology and social media (0.179), empowerment (0.153) and behavioral economics (0.113) have been prioritized. The results showed that the eight factors of networking, technology and social media, cross-sectoral cooperation, legislation and policy, public participation, behavioral economics, empowerment, and structural reform affect the open policy of public sports in Iran.

Keywords: Open Policy, Legislation and Policy Making, Public Participation, Behavioral Economics

توسعه ورزش از دغدغه‌های اصلی هر کشوری من جمله جمهوری اسلامی ایران است. اما پدیده انقلاب و سپس جنگ تحمیلی همه نهادهای جامعه از جمله ورزش را تحت تاثیر خود قرار داد و عملاً فرصتی برای رسیدگی عمیق به این موضوع باقی نماند. بعد از پایان جنگ و شروع بازسازی کشور، بخش ورزش هم مانند سایر بخش های اجتماعی در برنامه های توسعه مورد توجه قرار گرفت (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۹). در برنامه پنج ساله اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)، بر همگانی کردن ورزش و گسترش فعالیت‌های تربیت بدنی بین مردم و بویژه جوانان تاکید شده بود. برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴) نیز همانند برنامه اول دارای یک ماده واحد بود، اما برخلاف برنامه اول در این برنامه توجه بیشتری به توسعه ورزش و فعالیت بدنی شد. در بخش سیاست های کلی برنامه پنج ساله سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)، ورزش و تربیت بدنی هیچ جایگاهی نداشت. برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) مشتمل بر مضامین ۱۲ گانه ای بود، اما متأسفانه هیچ یک به طور مستقل و مجزا به ورزش و تربیت بدنی اختصاص نداشت (گزارش راهبردی وزارت ورزش، ۱۳۹۴). مطمئناً ساختارهای صنعتی و اقتصادی و سیاسی جامعه در دنیای امروز ارتباط متقابلی با ورزش دارند. یعنی از طرفی توسعه صنعتی و اقتصادی بر ارتقای کیفیت ورزشی در کل جامعه تاثیر می‌گذارد و در مقابل توجه به ورزش در سطوح تربیتی، همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای عامل موثری جهت تامین نیروی انسانی سالم و با نشاط و در نتیجه شکوفایی صنعتی، اقتصادی و اجتماعی است (سجادی، ۱۳۹۳). به همین دلیل در طول دهه های گذشته، مفاهیم مختلفی تلاش کرده‌اند تحول در نحوه حکمرانی را تصویر کنند؛ از مفهوم «دولت الکترونیک» گرفته تا مفهوم تازه‌تری نظیر «دولت مشارکتی» و یا جدیدترین و کامل ترین مفهوم از دولت با عنوان «حکومت باز» (شایدرویک و همکاران^۱، ۲۰۱۴). حکومت باز راهبردی جدید و مترقی پیرامون این است که دولت ها چگونه با مردم از طریق فناوری های ارتباطی و با استفاده از روش هایی نوآورانه ارتباط برقرار می کنند. این رویکرد دولت ها را قادر می سازد تا از جانب شهروندان و هر زمان که نیاز است طلب یاری و کمک نماید، مثلاً در حل مشکلات همیشگی، که نتیجه نهایی وجود نهادهایی اثربخش و یک دموکراسی قدرتمندتر خواهد بود (سازمان ملل متحد^۲، ۲۰۱۳). بدون شک امروزه دسترسی آزاد به اطلاعات دولتی به یکی از نشانه های بارز جریان حکومت باز تبدیل شده است (داوس و همکاران^۳، ۲۰۱۶). تاکنون پژوهش یا مطالعه ای درباره بررسی فرایند سیاستگذاری باز در ورزش همگانی و حتی در عرصه ورزش صورت نگرفته است و در پژوهش های اندکی مقوله سیاست و ورزش بررسی شده، فقط حوزه هایی خاص از بحث سیاست و ورزش پوشش داده شده است. پژوهش حاضر، از حیث بررسی فرایند سیاستگذاری در ورزش همگانی ایران، کاری جدید است و تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. مقدمه ای که بیان شد مبین آن است که حرکت در جهت سیاستگذاری باز^۴ حاکمیت در ورزش همگانی به منظور بهره جستن از تمام ظرفیت ها و پتانسیل های سیاستگذاری در

¹. Zuiderwijk, et al .

². united nations

³. Dawes, et al .

⁴. open policy making

این حوزه لازم و پیش شرطی در راستای بهینه یابی سیاستی در نظام ورزش است (تسلیمی و همکاران، ۲۰۱۷). سیاستگذاری باز یکی از رویکردهای جدید شکل گرفته در عرصه سیاستگذاری عمومی است. سیاستگذاری باز مفهومی است که به دنبال بهره گیری از ظرفیت های مردمی (غیردولتی) در سیاستگذاری عمومی است و بیانگر تعامل میان حاکمیت و مردم است. می توان گفت که باز بودن حکومت که برداشت از آن همراستا با باز بودن سیاستگذاری و استفاده از ظرفیت های غیردولتی در تصمیم گیری های می باشد (گاناپاتی و ردیک^۱، ۲۰۱۲). در واقع، عدم کامیابی نهاد ورزش کشور در انجام وظیفه های حاکمیتی خود ما را ناچار می سازد تا از اندیشه های سیاستگذاری باز با تاکید بر حکمرانی مطلوب به عنوان راهکاری جامع جهت توسعه ورزش همگانی کشور نام ببریم (آدینه وند، ۱۳۹۱). بگوویچ^۲ (۲۰۲۰) معتقد است دولت بازیگر اصلی است که در مورد ساختار سازمانی، تصمیم گیری داخلی و بودجه در امر سیاست گذاری تصمیم گیری می کند. دانجلو و همکاران^۳ (۲۰۲۰) و هرمنس و همکاران^۴ (۲۰۱۹) عنوان می کنند همکاری بین بخشی می تواند بر سیاست گذاری تاثیر داشته باشد. الجمیلی^۵ (۲۰۱۶) چهار چالش اساسی با تأکید بر کاهش فاصله خط مشی های در حال اجرا و فضای عملیاتی واقعی و ارائه راهنمایی در زمینه های سیاستگذاری، پیاده سازی فنی، کیفیت داده را مورد تأکید قرار داده است. فهلن و استنلینگ^۶ (۲۰۱۵) بیان می کنند سیاست های ورزشی در سوئد نتیجه رابطه ای بلندمدت بین دولت های ملی و محلی و باشگاه های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که به حمایت گسترده ای از ورزش های سازمان یافته منجر می شود. در این رابطه، که با قراردادی ضمنی تعریف می شود، دولت درباره میزان و هدف بودجه تصمیم می گیرد و دریافت کننده، یعنی کنفدراسیون ورزش سوئد، جزئیات مربوط به توزیع و مدیریت را تعیین می کند. لونورد^۷ (۲۰۱۴) در مطالعه خود چالش های حقوقی، چالش های کیفیت اطلاعات و چالش های فنی را به عنوان پیش فرض قبول کرده اند و با اجرای داده باز در سازمان مورد مطالعه، برخی دیگر از چالش ها مانند پیچیدگی وظایف و مشارکت را شناسایی کردند. شایدرویک و همکاران^۸ (۲۰۱۴) در ارتباط با سیاست گذاری باز بر عوامل اصل تهیه دستورالعملها در مورد رعایت حریم خصوصی، یکپارچه سازی طرف های درگیر تأکید کرده اند. جتزرک^۹ (۲۰۱۳) در مطالعه ای و در تلاش برای نمایش اثر داده حکومتی باز، نگاه مهمی به اکوسیستم داده حکومتی باز را تصویر می کند که در آن، بجز در مرحله تولید داده، سایر تحولات روی داده به صورت مشترک میان بخش خصوصی و دولتی صورت می پذیرد و از این منظر مدل جالب توجهی است. با این حال تصویری که وی ارائه می کند بسیار کلی و ساده است و از جزئیات لازم در یک اکوسیستم

¹ . Ganapati & Reddick

² . Begovic

³ . D'Angelo, et al.

⁴ . Hermens, et al.

⁵ . Algemili

⁶ . Fahlén & Stenling

⁷ . Lovnord

⁸ . Zuiderwijk

⁹ . Jetzek

زنده داده باز برخوردار نیست. یانس و همکاران^۱ (۲۰۱۲) ۶۱ چالش در عرصه داده حکومتی باز را شناسایی کرده اند که چالش های شناسایی شده را در سه چالش کلان طبقه بندی کرده اند که عبارتند از چالش های حقوقی، چالش های کیفیت اطلاعات و چالش های فنی. با بررسی ادبیات نظری پژوهش مشخص شد که در خارج از کشور پژوهش هایی به بررسی وضعیت و اجرای اصول تئوری سیاست گذاری باز و حکمرانی خوب در سازمان های ورزشی ملی و بین المللی پرداخته اند، و شاخص های دیگری را علاوه بر شاخص های هشت گانه سازمان ملل در چهارچوب تئوری تبیین کرده اند اما هیچکدام از عوامل مبتنی بر اصل اساسی مفهوم سیاست گذاری باز با رویکرد حکمرانی مطلوب یعنی مشارکت توانان نهاد دولتی ورزش، جامعه مدنی و مردم و بخش خصوصی باشد ارائه نکرده اند و این امر موجب خلاء علمی شده است و برای رفع چنین خلاء علمی انجام این تحقیق ضرورت دارد. همچنین همانطور که تشریح شد ورزش همگانی کشور به اذعان خود مسئولان ورزشی کشور با چالش های جدی روبروست لذا این پژوهش شاید بتواند گامی کوچک در راستای اصلاح نظام مدیریت ورزش کشور و به تبع آن شناسایی شاخص های سیاست گذاری باز بردارد و این امر باعث کمک به رشد و توسعه و اعتلای ورزش کشور نماید. ضمن اینکه داشتن یک مدل برای کار و فعالیت در بسیاری از حوزه ها ضرورت دارد زیرا مدل به مثابه اصول زیربنایی و ساختار عمقی است که فرایندهای پدیده های سطحی را پشتیبانی می کنند. بنابراین تحقیق حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران انجام گردید.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر ماهیت پژوهش، توصیفی و از نظر هدف کاربردی بود. رتبه بندی عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران در ۴ مرحله انجام شد. در مرحله اول مطالعات کتابخانه ای انجام گرفت. در مرحله دوم به منظور شناسایی از مصاحبه استفاده شد. برای انجام مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته، مدیران سطح ستادی وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون ورزش های همگانی و اعضا هیات علمی به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند و سپس به بیان آرا و دیدگاه های خود درباره سؤالات مصاحبه پرداخته اند. نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. در نتیجه تعداد ۱۵ نفر در بخش کیفی (۵ نفر از اساتید مدیریت ورزشی؛ ۱۰ نفر از مدیران ارشد وزارت ورزش و فدراسیون ورزش های همگانی) به منظور انجام مصاحبه در این پژوهش مشارکت داشته اند. در مرحله سوم پرسشنامه اولیه ای با سه سوال (۱. عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران را مشخص کنید؟ ۲. عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران را بیان کنید. ۳. هرگونه پیشنهادی در ارتباط با سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران ارائه دهید) بین خبرگان توزیع گردید. مرحله چهارم: با شناسایی عامل در سه مرحله قبل پرسشنامه AHP ساخته و بین خبرگان توزیع گردید.

¹. Yans, et al .

یافته های تحقیق

در تحقیق حاضر به منظور انتخاب شاخص های کلیدی از OFj و حد آستانه ۰/۷۰ استفاده شد.

$$OFj = \frac{uj + mj + Ij}{3}$$

اگر $OFj \geq 0/7$ شاخص انتخاب می شود.

اگر $OFj < 0/7$ شاخص حذف می شود.

جدول ۱- نتایج روش دلفی فازی

| شاخص OFj | معیار | ردیف |
|----------|----------------------------|------|
| ۰/۸۳۱ | شبکه | ۱ |
| ۰/۸۶۲ | هماهنگی | ۲ |
| ۰/۷۱۹ | اشتراک گذاری دانش | ۳ |
| ۰/۷۶۳ | نهادهای مردم نهاد (سمن ها) | ۴ |
| ۰/۷۹۱ | فعال سازی ظرفیت ها | ۵ |
| ۰/۷۴۲ | روحیه مشارکت | ۶ |
| ۰/۷۹۲ | برنامه اجرایی | ۷ |
| ۰/۸۴۳ | مدیریت روند | ۸ |
| ۰/۷۸۰ | ارزیابی و بازخورد | ۹ |
| ۰/۸۵۴ | همسان سازی | ۱۰ |
| ۰/۷۸۸ | آگاه سازی | ۱۱ |
| ۰/۷۴۹ | قوانین و مقررات | ۱۲ |
| ۰/۷۶۲ | تغییر نگرش | ۱۳ |
| ۰/۷۷۳ | نظام سیاست گذاری | ۱۴ |
| ۰/۷۶۵ | اعتمادسازی | ۱۵ |
| ۰/۷۵۸ | بسترسازی | ۱۶ |
| ۰/۷۳۶ | قوانین تشویقی | ۱۷ |
| ۰/۷۵۷ | محیط حقوقی | ۱۸ |
| ۰/۶۵۹ | حمایت طلبی | ۱۹ |
| ۰/۶۳۲ | طراحی نظام ملی | ۲۰ |
| ۰/۷۳۲ | استراتژی | ۲۱ |
| ۰/۷۵۸ | یکپارچگی | ۲۲ |
| ۰/۷۱۳ | فنی-تکنولوژی | ۲۳ |
| ۰/۶۴۲ | طراحی شهری | ۲۴ |

نتایج جدول ۱ عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران را نشان می دهد که همه عوامل در ۸ عامل اصلی به ترتیب شبکه سازی (۰/۳۱۲)، همکاری بین بخشی (۰/۲۹۲)، مشارکت همگانی (۰/۲۵۶)، قانونگذاری و سیاستگذاری (۰/۲۱۲)، اصلاح ساختار ورزش همگانی (۰/۱۸۲)، فناوری و رسانه های اجتماعی (۰/۱۷۹)، توانمندسازی (۰/۱۵۳) و اقتصاد رفتاری (۰/۱۱۳) اولویت بندی شده اند.

جدول ۲- اولویت بندی عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران

| عوامل | وزن نسبی |
|----------------------------|----------|
| شبکه سازی | ۰/۳۱۲ |
| همکاری بین بخشی | ۰/۲۹۲ |
| مشارکت همگانی | ۰/۲۵۶ |
| قانونگذاری و سیاستگذاری | ۰/۲۱۲ |
| اصلاح ساختار ورزش همگانی | ۰/۱۸۲ |
| فناوری و رسانه های اجتماعی | ۰/۱۷۹ |
| توانمندسازی | ۰/۱۵۳ |
| اقتصاد رفتاری | ۰/۱۱۳ |

نتایج جدول ۳ اولویت بندی مولفه های شبکه سازی نشان داد که شبکه با وزن نسبی ۰/۱۶۳ بیشترین تاثیر را بر شبکه سازی دارد. و مولفه های هماهنگی ۰/۱۴۲ و اشتراک گذاری دانش ۰/۱۱۲ به ترتیب اولویت دوم و سوم را دارند.

جدول ۳- اولویت بندی مولفه های شبکه سازی

| عوامل | وزن نسبی |
|-------------------|----------|
| شبکه | ۰/۱۶۳ |
| هماهنگی | ۰/۱۴۲ |
| اشتراک گذاری دانش | ۰/۱۱۲ |

نتایج جدول ۴- اولویت بندی مولفه های همکاری بین بخشی نشان داد که همسان سازی با وزن نسبی ۰/۲۹۱ بیشترین تاثیر را بر همکاری بین بخشی دارد. و مولفه های مدیریت روند ۰/۲۲۳ و ارزیابی و بازخورد ۰/۱۶۳ برنامه اجرایی ۰/۱۴۷ به ترتیب اولویت دوم تا چهارم را دارند.

جدول ۳- اولویت بندی مولفه های همکاری بین بخشی

| عوامل | وزن نسبی |
|-------------------|----------|
| همسان سازی | ۰/۲۹۱ |
| مدیریت روند | ۰/۲۲۳ |
| ارزیابی و بازخورد | ۰/۱۶۳ |
| برنامه اجرایی | ۰/۱۴۷ |

نتایج جدول ۵- اولویت بندی مولفه های مشارکت همگانی نشان داد که فعال سازی ظرفیت ها با وزن نسبی ۰/۲۹۱ بیشترین تاثیر را بر مشارکت همگانی دارد. و مولفه های نهادهای مردم نهاد ۰/۲۲۳ و روحیه مشارکت ۰/۱۶۳ به ترتیب اولویت دوم و سوم را دارند.

جدول ۴- اولویت بندی مولفه های مشارکت همگانی

| عوامل | وزن نسبی |
|-------|----------|
| | |

| | |
|-------|--------------------|
| ۰/۲۱۶ | فعال سازی ظرفیت ها |
| ۰/۲۰۳ | نهادهای مردم نهاد |
| ۰/۱۹۸ | روحیه مشارکت |

نتایج جدول ۶ اولویت بندی مولفه های قانونگذاری و سیاستگذاری نشان داد که نظام سیاست گذاری با وزن نسبی ۰/۱۹۱ بیشترین تاثیر را بر قانونگذاری و سیاستگذاری دارد. و مولفه های اعتمادسازی ۰/۱۶۱ و محیط حقوقی ۰/۱۲۳ به ترتیب اولویت دوم و سوم را دارند.

جدول ۶- اولویت بندی مولفه های قانونگذاری و سیاستگذاری

| وزن نسبی | عوامل |
|----------|------------------|
| ۰/۱۹۱ | نظام سیاست گذاری |
| ۰/۱۶۱ | اعتمادسازی |
| ۰/۱۲۳ | محیط حقوقی |

نتایج جدول ۷- اولویت بندی مولفه های اصلاح ساختار ورزش همگانی نشان داد که حمایت طلبی با وزن نسبی ۰/۱۷۶ بیشترین تاثیر را بر اصلاح ساختار ورزش همگانی دارد. و مولفه های طراحی نظام ملی ۰/۱۳۵ و طراحی شهری ۰/۱۰۷ به ترتیب اولویت دوم و سوم را دارند.

جدول ۷- اولویت بندی مولفه های اصلاح ساختار ورزش همگانی

| وزن نسبی | عوامل |
|----------|----------------|
| ۰/۱۷۶ | حمایت طلبی |
| ۰/۱۳۵ | طراحی نظام ملی |
| ۰/۱۰۷ | طراحی شهری |

نتایج جدول ۸- اولویت بندی مولفه های فناوری و رسانه های اجتماعی نشان داد که استراتژی با وزن نسبی ۰/۱۴۳ بیشترین تاثیر را بر فناوری و رسانه های اجتماعی دارد. و مولفه های یکپارچگی ۰/۱۱۶ و فنی- تکنولوژی ۰/۱۰۲ به ترتیب اولویت دوم و سوم را دارند.

جدول ۸- اولویت بندی مولفه های فناوری و رسانه های اجتماعی

| وزن نسبی | عوامل |
|----------|---------------|
| ۰/۱۴۳ | استراتژی |
| ۰/۱۱۶ | یکپارچگی |
| ۰/۱۰۲ | فنی- تکنولوژی |

نتایج جدول ۹- اولویت بندی مولفه های توانمندسازی نشان داد که آگاه سازی با وزن نسبی ۰/۱۴۸ بیشترین تاثیر را بر توانمندسازی دارد. و مولفه های تغییر نگرش ۰/۱۴۳ و قوانین و مقررات ۰/۱۲۴ به ترتیب اولویت دوم و سوم را دارند.

جدول ۹- اولویت بندی مولفه های توانمندسازی

| وزن نسبی | عوامل |
|----------|------------|
| ۰/۱۴۸ | آگاه سازی |
| ۰/۱۴۳ | تغییر نگرش |
| ۰/۱۲۴ | قوانین |

نتایج جدول ۱۰- اولویت بندی مولفه های اقتصاد رفتاری نشان داد که بسترسازی با وزن نسبی ۰/۲۱۸ بیشترین تاثیر را بر اقتصاد رفتاری دارد. و مولفه های قوانین تشویقی ۰/۱۸۶ در اولویت بعدی قرار گرفت.

جدول ۱۰- اولویت بندی مولفه های اقتصاد رفتاری

| عوامل | وزن نسبی |
|---------------|----------|
| بسترسازی | ۰/۲۱۸ |
| قوانین تشویقی | ۰/۱۸۶ |

نتیجه گیری

نتایج نشان داد که شبکه سازی و عوامل شبکه، هماهنگی و اشتراک گذاری دانش از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. در تبیین این نتایج می توان عنوان نمود که شبکه سازی یکی از فرایندهای موثر در ظرفیت سازی سازمان ها و نهادهای متولی ورزش همگانی است که از طریق انتقال تجارب اتفاق می افتد. دنیس لوسلی (۲۰۰۹) به اهمیت توسعه راهبردی به منظور دسترسی و به اشتراک گذاری داده ها در نهادهای بخش عمومی و سازمان های دولتی اشاره نمود. سوان (۲۰۰۵) یکی از حامیان سرشناس دسترسی آزاد و نیز حکومت باز، هم بر اهمیت استقرار یک سیاست مشخص پیرامون اهداف باز بودن و دسترسی آزاد به اطلاعات تأکید کرده است. در واقع رویکرد سیاستگذاری باز بر مبنای مفهوم شبکه سازی سعی در ایجاد ارتباطات تعاملی بین سیاستگذاران و جامعه هدف و بازیگران برای تبادلات ایده و پیشنهاد و نظرات است. شبکه سازی هایی نظیر شبکه سمن ها، شبکه کمیته های ورزش همگانی فدراسیون ها، شبکه روسای هیأت ها و ... می تواند کم هزینه باشد. از طریق شبکه سازی می توان با بخش هایی که امکان ارتباط مستقیم و رسمی وجود ندارد ارتباط برقرار کرد و ظرفیت های پنهان را برای ورزش همگانی فعال کرد. در نهایت شبکه سازی در صورت تداوم به «هماهنگی» و هماهنگی در صورت تداوم به «مشارکت» و مشارکت در صورت تداوم به «همکاری» منجر می شود که تبادل و به اشتراک گذاری اطلاعات و دانش از طریق فرایند «دانش مشترک» را خلق می کند.

نتایج نشان داد که همکاری بین بخشی و مولفه های همسان سازی، مدیریت روند، برنامه اجرایی و ارزیابی و بازخورد از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. نتایج تحقیق با برخی از نتایج تحقیقات دانجلو و همکاران (۲۰۲۰)، هرمنس و همکاران (۲۰۱۹) همخوان می باشد. همکاری بین بخشی با اصطلاحات مشابه از قبیل ائتلاف، شراکت، اتحاد و شبکه تفاوت هایی دارد. در مقابل اصطلاح همکاری کامل تر بوده و چهار مؤلفه تفاهم نامه کتبی، دورنمای مشترک، تصمیم گیری اجماع شده و تکالیف کاری رسمی را شامل می شود. بخشی از تجربیات جهانی، فرآیند همکاری بین بخشی را در ساده ترین وضع، شامل چهار مرحله اعتماد سازی، توانمندسازی، اجرا و تداوم می دانند (برگستروم و همکاران، ۱۹۹۵). با توجه به نتایج بدست آمده در تحقیق حاضر و بررسی های میدانی محقق در حال حاضر فرایند همکاری های بین بخشی در ورزش همگانی مبتنی بر برنامه نیست. در نتیجه می توان عنوان نمود که همکاری بین بخشی در ورزش همگانی ایران در ۵ گام؛ اولین گام شناسایی نهادها و

دستگاه های همکار (تحلیل ذینفعان کلیدی (ارزیابی تأثیر و تعهد) در این مرحله حیاتی است)، دومین گام همسان سازی مفاهیم و خلق یک ادبیات مشترک، سومین گام؛ برنامه اجرایی همکاری مشترک، چهارمین گام؛ ایجاد یک دبیرخانه مشترک برای مدیریت روند همکاری و پنجمین گام: ارزیابی و بازخورد به شرکا انجام شود.

نتایج نشان داد که مشارکت همگانی و مولفه های سازمان های مردم نهاد، فعال سازی ظرفیت ها و روحیه مشارکت از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات هرمنس (۲۰۱۸)، ریتا (۲۰۱۶) همخوان می باشد. در تبیین نتایج تحقیق می توان بیان نمود که یکی از عناصر متجلی مردم در سیاستگذاری باز سازمان های مردم نهاد (سمن ها) هستند. سمن ها چکیده مردم هستند و چون با اعتباربخشی از سوی دولت هم سازماندهی می شوند از اهمیت ویژه برخوردارند. در حال حاضر ۲۵۰ سمن جوانان تخصصی در زمینه ورزش همگانی (ثبت شده در وزارت ورزش) وجود دارد که با احتساب سایر سمن های ثبت شده در وزارت کشور این عدد به حدود ۷۰۰ سمن می رسد که از ظرفیت این سمن ها در سیاستگذاری های ورزش همگانی استفاده نمی شود؛ بنابراین سیاستگذاری «باز» نبوده است. امکان ایجاد و توسعه سمن ها در کلونی های مختلف جمعیتی بسته به بافت فرهنگی و اجتماعی هر منطقه بومی وجود دارد. معمولاً سمن ها حول یک مسأله و دغدغه اجتماعی ایجاد می شوند و این برای توسعه ورزش همگانی ضروری است. دولت از طریق «شبکه سازی» می تواند از ظرفیت سمن ها استفاده کند. شبکه سازی برای این سمن ها باید بسیار هوشمندانه و ظریف طراحی شود. چراکه سمن ها دارای روحیه مشارکت جویانه بالایی هستند و ضعف در مدیریت شبکه می تواند به نتیجه معکوس منجر شود. در نتیجه جلب مشارکت مردم در اجرای برنامه ها و رویدادهای ورزشی، استفاده از ظرفیت نهادهای مردمی مثل سمن ها و بسیج و جلب مشارکت شفاف و سازمان یافته مردم در تصدی مسئولیت نهادهای عمومی مثل هیأت های ورزشی می تواند در سیاست گذاری باز نقش داشته باشد.

نتایج نشان داد که فناوری و رسانه های اجتماعی و مولفه های استراتژی، یکپارچگی و فنی - تکنولوژی از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. نتایج تحقیق با برخی از نتایج داوس و همکاران (۲۰۱۶) که عنوان کرده بودند فناوری بر سیاستگذاری تأثیر دارد همخوان می باشد. حکومت باز راهبردی جدید و مترقی پیرامون این است که دولت ها چگونه با مردم از طریق فناوری های ارتباطی و با استفاده از روش هایی نوآورانه ارتباط برقرار می کنند. این رویکرد دولت ها را قادر می سازد تا از جانب شهروندان و هر زمان که نیاز است طلب یاری و کمک نماید، مثلاً در حل مشکلات همیشگی، که نتیجه نهایی وجود نهادهایی اثربخش و یک دموکراسی قدرتمندتر خواهد بود (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳). داده حکومتی باز زیر مجموعه ای از اطلاعات بخش عمومی است که به صورت داده باز در اختیار مردم قرار بگیرد. نظیر اطلاعات تصادفات، بیماری ها، اطلاعات تفصیلی از محیط کسب و کار، آمار آموزش و پرورش، عملکرد سازمان ها (پرتال داده باز اروپا، ۲۰۱۵). داوس و همکاران (۲۰۱۶) معتقد است بدون شک امروزه دسترسی آزاد به اطلاعات دولتی به یکی از نشانه های بارز جریان حکومت باز تبدیل شده است. در حال حاضر یک از هم گسیختگی محتوایی وجود دارد و محتواها فاقد یکپارچگی لازم هستند و

باید به مواردی از قبیل سیاست‌های محوری محتوا، کلیدواژه های گفتمانی، یکپارچگی محتوایی، سیاست انتشار، هویت بصری، ارتباط با برند و انرژی محتوا توجه شود.

نتایج نشان داد که قانون گذاری و سیاست گذاری جامع و مولفه های نظام سیاست گذاری، اعتمادسازی و محیط حقوقی از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات فخرآبادی و همکاران (۱۳۹۷) و پیتر بارندز (۲۰۱۷) که عنوان کرده اند قانون گذاری بر سیاست گذاری باز تاثیر دارد، همخوان می‌باشد. تیکسیرا و ریبریو (۲۰۱۶) بر این باورند که به منظور سیاست‌گذاری ورزشی باید به عواملی مانند گسترش جمعیتی فعال، اولویت بندی مناطق محروم، سرمایه گذاری در عوامل انسانی و افزایش هزینه برای فرهنگ و ورزش توجه نمود. سارجیت سینگ (۲۰۱۷) سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی را بر پایه سه برنامه مالزی متناسب، روز ملی ورزش و الهام بخشیدن برای افراد در تمام سنین راه اندازی کرده اند. ژوزف و سیسیلی (۲۰۱۵) نیز عنوان می‌کند که سیاست‌های ورزشی در سوئد نتیجه رابطه بلندمدت بین دولت‌های ملی و محلی و باشگاه‌های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که به حمایت گسترده‌ای از ورزش‌های سازمان یافته منجر می‌شود. در نهایت با توجه به نتایج اصلاح روش تخصیص بودجه حوزه ورزش همگانی و تخصیص بر پایه پروژه های ملی به جای برنامه های جزیره ای دستگاه های و نهادهای ذیربط، فعال سازی شورای عالی ورزش با اولویت توسعه برنامه های ملی حوزه ورزش همگانی، ایجاد نظام پایش ملی و ارزیابی مشارکت عموم مردم در ورزش همگانی، استفاده از ظرفیت سازمان های مردم در سیاست‌گذاری و اتخاذ سیاست های مناسب، استفاده از ظرفیت هیأت های ورزشی استانی و شهرستانی در سیاست‌گذاری و اتخاذ سیاست های مناسب، ایجاد نظام سیاست‌گذاری و بهبود سیاست ها با محوریت فعال سازی دبیرخانه شورای عالی ورزش و شورای ورزش همگانی کشور، استفاده از ظرفیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و بویژه کمیسیون فرهنگی تربیت بدنی و ورزش کشور پیشنهاد می‌شود.

نتایج نشان داد که اصلاح ساختار ورزش همگانی و مولفه های حمایت طلبی، طراحی نظام ملی و طراحی شهری از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. بگوویچ (۲۰۲۰) معتقد است دولت بازیگر اصلی است که در مورد ساختار سازمانی، تصمیم‌گیری داخلی و بودجه در امر سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری می‌کند. اصلاح ساختار موجود ورزش همگانی ضروری است؛ به طوریکه در ارکان نظام ورزش همگانی، سیاست‌گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت، علاوه بر تفکیک، تکمیل کننده نیز باشند. تقسیم کار ملی در ورزش همگانی و تعیین نقش دولت و غیردولت محور این اصلاح ساختاری را تشکیل می دهد. فراهم نمودن به موقع زیرساخت های اجرا برای مجریان سیاست، اصلاح ساختار نهادهای سیاست گذاری ورزشی، بهبود نگرش مدیران دولتی سطوح مختلف نسبت به ورزش همگانی با تأکید بر حمایت طلبی، طراحی نظام ملی نظارت، ارزیابی و کنترل، تحول در رویکرد کلی دولت نسبت به ورزش و طراحی شهری و بهبود وضعیت زیرساخت های ورزشی چه به لحاظ برنامه ریزی و چه از حیث اجرا باید با مشارکت مردم صورت گیرد. نقش نهادهای عمومی و به ویژه انجمنهای تخصصی باید برجسته شود.

نتایج نشان داد که توانمندسازی و مولفه های آگاه سازی، تغییر نگرش و قوانین و مقررات از عوامل موثر بر سیاست گذاری باز ورزش همگانی ایران است. دانستنی های بسیاری وجود دارد که آگاهی از آن ها

هم حق مردم است و هم این آگاهی‌ها زمینه‌ساز تصمیمات گسترده‌ای در سطح مردم و نیز حاکمیت خواهد شد. سیاست‌گذاری و تحقق پارادایم داده‌باز حاکمیتی، علاوه بر توسعه و افزایش توان علمی و فناوریانه کشور، در افزایش مشارکت فعال، همه‌جانبه و مؤثر مردم و نخبگان، و ارتقای سرمایه و اعتماد اجتماعی به حاکمیت تأثیر گسترده‌ای دارد (بنیاد جهانی مک کنزی، ۲۰۱۳). براساس نتایج بدست آمده می‌توان عنوان نمود که توانمندسازی مردم یکی از عناصر مهم سیاستگذاری باز است. زمانی ورزش همگانی به اهدافش نزدیک می‌شود که خود مردم در طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزش همگانی مشارکت داشته و در فرایند مشارکت توانمند شوند. مردم باید حس کنند در انتخاب متولیان مدیریت ورزش همگانی دخیل هستند، اگر این حس و این ساز و کار وجود ندارد پس ضعف داریم فعال سازی ظرفیت‌های ورزش محلات به عنوان پایین‌ترین سطح عملیاتی ورزش همگانی که می‌تواند خلاءهای اجرایی ورزش همگانی در سطح محله را پر کند.

نتایج نشان داد که رفتار اقتصادی و مولفه‌های بسترسازی و قوانین تشویقی از عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری باز ورزش همگانی ایران است. نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات برنند (۲۰۱۹) که عنوان کرده‌اند رفتار اقتصادی بر سیاست‌گذاری باز تأثیر دارد، همخوان می‌باشد. مصرف‌کننده همیشه از روش‌های معقول و آگاهانه برای ارزیابی اطلاعات و انتخاب محصولات استفاده نمی‌کند. به همین دلیل و در طول سه دهه گذشته، یکی از موضوعات جالب در تحقیقات بازاریابی، بحث تئوری‌های تصمیم‌گیری رفتاری بوده است. تئوری پردازان رفتاری، موقعیت‌های متعددی را یافته‌اند که در آنها، مصرف‌کننده تصمیماتی به ظاهر نامعقول می‌گیرد. چیزی که این قبیل مطالعات و سایر مطالعات مشابه روی آن تأکید می‌کنند این است که رفتارهای مصرفی، رفتارهای واقعا پیچیده‌ای هستند و عوامل زمینه‌ای به شدت بر آنها اثر می‌گذارند. بنابراین، شناسایی این عوامل و بررسی میزان و نحوه اثرگذاری آنها، بسیار حیاتی است. بنابراین مردم بر اساس نظریه اقتصاد رفتاری، اساساً به رفتاری روی می‌آورند که برایشان به صرفه تلقی شود و وزنه انجام رفتار به سمت نفع آن‌ها باشد. بر این اساس توجه به اقتصاد رفتاری زمانی ضروری است که هدف تغییر رفتار باشد و به نظر می‌رسد توجه به این رویکرد در سیاستگذاری باز ضروری باشد.

نتایج نشان داد که عوامل شبکه‌سازی، همکاری بین‌بخشی، مشارکت همگانی، قانونگذاری و سیاستگذاری، اصلاح ساختار ورزش همگانی، فناوری و رسانه‌های اجتماعی، توانمندسازی و اقتصاد رفتاری به ترتیب بر سیاست‌گذاری باز ورزش همگانی ایران تأثیر دارد. در تبیین این نتایج می‌توان عنوان نمود که شبکه‌سازی یکی از فرایندهای مؤثر در ظرفیت‌سازی سازمان‌ها و نهادهای متولی ورزش همگانی است که از طریق شبکه‌سازی انتقال تجارب اتفاق می‌افتد.

به ترتیب عوامل شبکه‌سازی (۰/۳۱۲)، همکاری بین‌بخشی (۰/۲۹۲)، مشارکت همگانی (۰/۲۵۶)، قانونگذاری و سیاستگذاری (۰/۲۱۲)، اصلاح ساختار ورزش همگانی (۰/۱۸۲)، فناوری و رسانه‌های اجتماعی (۰/۱۷۹)، توانمندسازی (۰/۱۵۳) و اقتصاد رفتاری (۰/۱۱۳) اولویت بندی شده‌اند. به طور کلی با توجه به اولویت‌های عنوان شده علی‌رغم برنامه ریزی منسجم و هدفمند بسیاری از دستگاه‌های متولی ورزش همگانی، به نظر می‌رسد یکپارچه نبودن سیاستگذاری‌های ورزش در وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها، شهرداری‌ها، آموزش و پرورش و ... زمینه برخی موازی‌کاری‌ها و همچنین هدر رفت

سرمایه‌ها را فراهم کرده است. سیاست‌گذاری باز در این عرصه، موضوعی نو و جدید است که در دستور کار نهادهای بین‌المللی و دولت‌های توسعه یافته قرار گرفته است. کشورهای مختلف در حال توسعه نیز در حال حرکت به سمت این پارادایم جدید عرصه حکمرانی و اداره عمومی هستند. یکی از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین اقدامات برای تحقق داده حکومتی باز در ورزش همگانی کشور، شناسایی عوامل موثر و بالفعل موجود است با توجه به مشخص شدن عوامل موثر بر سیاست‌گذاری باز ورزش همگانی ایران می‌توان شبکه‌سازی و توسعه شبکه‌های فعال ملی و استانی در حوزه ورزش همگانی، توسعه مشوق‌های مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های حوزه ورزش همگانی، رفع کوتاه مدت‌نگری به مشارکت بخش خصوصی به عنوان حامی مالی و ضرورت توجه به نیازهای بخش خصوصی در حوزه ورزش همگانی و طراحی برنامه مشارکت برد- برد، لزوم فرایند همکاری‌های بین بخشی در ورزش همگانی مبتنی بر برنامه، سیاست‌گذاری تعاملی (نه یک طرفه)، استفاده موثر از نظرات مردم و ذینفعان کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری، آماده تغییر سیاست‌ها بر مبنای نظرات مردم و ذینفعان کلیدی، رسانی نحوه و فرایند سیاست‌گذاری مطلع (مردم و ذینفعان)، خلق رضایت در مردم به دلیل مشارکت جویی سیاست‌گذاران در فرایند سیاست‌گذاری، استفاده از فناوری‌های نوین بویژه شبکه‌های اجتماعی، ایجاد فرایند تبادل دانش، تجارب، طراحی اقدامات مشترک و همچنین به اشتراک گذاری ظرفیت‌ها و منابع؛ تقویت رویکرد جامعه فعال (بهبود نگرش‌ها و آگاهی‌های عموم مردم نسبت به ورزش و فعالیت بدنی منظم)، تقویت رویکرد مردم فعال (طراحی رویدادهای ملی، منطقه‌ای، استانی، شهری و استانی اثربخش متناسب با نیاز مخاطبان)، تقویت رویکرد محیط فعال (بهبود طراحی شهری و بهبود وضعیت زیرساخت‌های ورزشی با تأکید بر اماکن ورزشی ارزان و در دسترس)، تقویت رویکرد سیستم فعال (هم‌افزایی و بهبود همکاری‌های بین بخشی در حوزه ورزش همگانی) پیشنهاد می‌شود. در نهایت اگر چه امکان دارد برآورده کردن پیشنهادات عنوان شده چندان آسان و در دسترس مخاطب‌های مدنظر نباشد اما یافته‌ها به روشنی توانست به گام‌های مهمی اشاره کند که می‌توانند منجر به بهبود وضعیت موجود سیاست‌گذاری باز برای رسیدن به وضعیت مطلوب شود. امید است مدیران وزارت ورزش، فدراسیون ورزش‌های همگانی و تمامی دست‌اندرکاران حوزه ورزش همگانی در بهبود سیاست‌های اتخاذ شده متناسب و عنوان شده برای توسعه تکنیک‌های جدید در مدیریت و در نتیجه رشد و پیشرفت این سازمان‌ها در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی استفاده لازم را ببرند.

منابع

- آدینه‌وند، ع. ا. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر)، نشریه مدیریت شهری، ۳۱: ۴۱-۶۴.
- سجادی، ن. (۱۳۹۳). چالش‌های مدیران ورزشی در ایران، مطالعات مدیریت ورزشی، ۲۲: ۳۹-۶۲.
- عبدالحسین زاده، م؛ ثنایی، م؛ ذوالفقارزاده، م. م. (۱۳۹۶). مفهوم شناسی سیاست‌گذاری داده‌باز حاکمیتی و تبیین مزایا و فواید آن در عرصه‌های مختل سیاست‌گذاری. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۲۲)، ۵۵-۷۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۹). موانع ورزش و چالش‌های سازمان تربیت بدنی، معاونت پژوهشی، کد گزارش: ۴۱۰۵۵۹۳

- فخرآبادی، ج. ا؛ سلیمانی، س؛ ابوالقاسمی، م. (۱۳۹۷). واکاوی نقش سیاست‌گذاری داده باز بر بهینه‌یابی سیاستی در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۲(۲)، ۱۲۶-۱۰۳.
- Adineh Vand, A. (2012). A study of municipal performance in the framework of good Urban governance (Case Study: Babolsar City), *Journal of Urban Management*, 31: 64-41. (Persian).
- Algemili, U. A. (2016). Outstanding challenges in recent open government data initiatives. *International Journal of e-Education, e-Business, e-Management and eLearning*, 6(2), p.91.
- Bergstrom, A., Clark, R., Hogue, T., Iyechad, T., Miller, J., Mullen, S., Perkins, D., Rowe, E., Russell, J., SimonBrown, V., Slinski, M., Snider, B.A. and Thurston, F. (1995). Collaboration framework: Addressing community capacity [online]. Available from: [www. uvm. edu/extension/community/ncco/collab/frame work.html](http://www.uvm.edu/extension/community/ncco/collab/frame%20work.html) [Cited 20 Apr 2013].
- Berndt, C. (2019). Behavioural economics and development policy. In *Handbook of Behavioural Change and Public Policy*. Edward Elgar Publishing.
- Creswell, J. W. (2005). Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative qesearch. (2nd edition).
- D'Angelo, C., Corvino, C., Cianci, E., & Gozzoli, C. (2020). "Sport for vulnerable youth: The role of multi-professional groups in sustaining intersectoral collaboration". *Social Inclusion*, 8(3), 129-138.
- D'Angelo, C., Corvino, C., Cianci, E., & Gozzoli, C. (2020). Sport for Vulnerable Youth: The Role of Multi-Professional Groups in Sustaining Intersectoral Collaboration. *Social Inclusion*, 8(3), 129-138.
- Dawes, S. S., Vidiasova, L., Parkhimovich, O. (2016). "Planning and designing open government data programs: An ecosystem approach". *Government Information Quarterly*, 33, 1, 15-27.
- Dawes, S. S., Vidiasova, L., Parkhimovich, O. (2016). Planning and designing open government data programs: An ecosystem approach. *Government Information Quarterly*, 33, 1, 15-27.
- Fahlén, J., Stenling, C. (2016). Sport policy in sweden. *International journal of sport policy and politics*, 8(3), 515-531.
- Fahlén, J., Stenling, C. (2016). Sport policy in sweden. *International journal of sport policy and politics*, 8(3), 515-531.
- Fakhrbadi, J., Soleimani, S, Abolghasemi, M. (2017). "Investigating the role of open data policy-making on policy optimization in the Iranian higher education system ". *Management Research in Iran*, 22 (2), 126-103. (Persian).

- Hermens, N. J. (2018). Intersectoral action for positive youth development through sport: A mixed method study on collaboration between youth-care organisations and community sports clubs (Doctoral dissertation, Wageningen University).
- Hermens, N., Verkooijen, K. T., & Koelen, M. A. (2019). Associations between partnership characteristics and perceived success in Dutch sport-for-health partnerships. *Sport Management Review*, 22(1), 142-152.
- Jetzek, Thorhildur (2013). The value of open government data: The value generating mechanisms of open government data. In *Geofurom Perspektiv*
- Josef, F., & Cecilia, S. (2015). "Sport policy in Sweden". *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8(3), 515-31.
- Josef, F., & Cecilia, S. (2015). Sport policy in Sweden. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8(3), 515-31.
- Lee, F., (2001). "Li Furong tan ruhe nuli chengwei yi ming youxiu jiaolianyuan [Li Furong's speech on how to become an outstanding coach]", *Zhongguo tiyu bao [China Sports Daily]*, 12(4), 2 [Li Furong is a Vice Minister of Sport in China)
- Swan, A., Needham, P., Probets, S., Muir, A., Oppenheim, C., O'Brien, A., ... & Brown, S. (2005). Developing a model for e- prints and open access journal content in UK further and higher education. *Learned publishing*, 18(1), 25-40.
- Teixeira, M. R., & Ribeiro, T. M. (2016). Sport policy and sports development: Study of demographic, organizational, financial and political dimensions to the local level in Portugal. *The Open Sports Sciences Journal*, 9(1).
- Zuiderwijk, A., & Janssen, M. (2014). Open data policies, their implementation and impact: A framework for comparison. *Government Information Quarterly*, 31(1), 17-29.